

## مقایسه آزاردیدگی، سلامت روانی، و جهت گیری مذهبی در دختران فراری و عادی شهر تهران

هادی بهرامی احسان

استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

سحر طاهباز حسین زاده

دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت دانشگاه تهران

### چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۴/۱۰/۲۴ تاریخ تایید: ۱۳۸۵/۷/۲۹

پژوهش حاضر با هدف مقایسه میزان آزاردیدگی، سلامت روانی و جهت گیری مذهبی در دو گروه دختران فراری و عادی اجرا شده است. نمونه پژوهش شامل ۲۵ دختران فراری ۱۷ تا ۲۵ ساله شهر تهران، که تحت پوشش مراکز ویژه دختران فراری بهزیستی استان تهران، است. گروه مقایسه پژوهش حاضر نیز شامل ۲۵ دختر عادی با خصوصیات مشابه و ساکن در مناطق جنوبی شهر تهران است که از یکی از پارک های این منطقه انتخاب گردیده اند. در این پژوهش از مقیاس جهت گیری مذهبی (بهرامی احسان، ۱۳۸۱)، پرسشنامه سلامت روانی (گلدبرگ، ۱۹۷۸) و آزمون محقق ساخته آزاردیدگی جهت بررسی جهت گیری مذهبی، سلامت روانی، و میزان شدت آزاردیدگی استفاده شده است. نتایج به دست آمده بیانگر تفاوت معنادار نمرات دو گروه در متغیرهای مورد بررسی است. نمرات گروه دختران فراری در متغیرهای آزاردیدگی و خرده آزمون استقرار نیافتگی آزمون جهت گیری مذهبی بالاتر از گروه دختران عادی و در متغیرهای سلامت روانی و جهت گیری مذهبی پایین تر از گروه دختران عادی بوده است. بین خرده مقیاس های ارزنده سازی و کامجویی در مقیاس جهت گیری مذهبی نیز میان دو گروه تفاوت معناداری به دست نیامد. همچنین گروه دختران فراری از لحاظ شدت آزاردیدگی، شدت آسیب و نمره کل آزاردیدگی نمرات بالاتری نسبت به گروه دختران عادی کسب کردند.

کلید واژه ها: آزاردیدگی، سلامت روانی، جهت گیری مذهبی، دختران فراری تهران

## مقدمه

پدیده فرار از منزل از جمله پدیده‌هایی است که همواره توجه متخصصان علوم روانی و اجتماعی را به خود معطوف داشته است. درک علل، پیش‌زمینه‌ها، و همچنین عواقب و نتایج پدیده فرار، دارای اهمیت ویژه‌ای در پیشگیری از نتایج زیانبار فرار است. به همین دلیل، تحقیقات متعددی به بررسی علل فرار نوجوانان از منزل و نیز حوادث پس از فرار پرداخته‌اند. یکی از علل عمده‌ای که در اغلب تحقیقات به عنوان انگیزه اصلی فرار نوجوان از منزل مطرح شده، «آزاردیدگی»<sup>۱</sup> در محیط خانه است (تایلر<sup>۲</sup>، کاوس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ تایلر، هویت<sup>۴</sup>، ویتبک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰). نرخ بالای آزارهای جسمانی، جنسی، عاطفی، و بی‌توجهی و طرد در خانواده دختران فراری، فرار را به عنوان راه حلی جهت پایان بخشیدن به این اغتشاش و ناآرامی برای نوجوان مطرح می‌کند (کی‌نیا، ۱۳۷۴؛ تایلر، کاوس، ویتبک، ۲۰۰۴). تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که مشکلات سلامت روانی خانواده و نیز آزار جنسی و جسمی، در میان نوجوانان فراری شایع است (تایلر، کاوس، ویتبک، ۲۰۰۴)، و بدین ترتیب، فرار به عنوان واکنشی به تعارضات محیط خانواده و نوعی فریاد کمک‌طلبی در نظر گرفته می‌شود (شارلین، مورباراک<sup>۶</sup>، ۱۹۹۲).

با توجه به طیف گسترده تجارب نامطلوب نوجوانان فراری از قبیل آزاردیدگی، تعارضات خانوادگی، سوء مصرف مواد و الکل (اسلسنیک<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۰)،

<sup>۱</sup> Running away

<sup>۲</sup> abuse

<sup>۳</sup> Tyler

<sup>۴</sup> Cauce

<sup>۵</sup> Hoyt

<sup>۶</sup> Whitebeck

<sup>۷</sup> Sharlin & Mor-Barak

<sup>۸</sup> Slesnick

بزهکاری (یودر<sup>۱</sup> و همکاران ، ۲۰۰۳) و روابط جنسی متعدد (انت<sup>۲</sup> و همکاران ، ۱۹۹۹) ، تحقیقات چندی به بررسی عوامل مختلف سلامت روانی در این دسته از نوجوانان پرداخته اند. نتایج این تحقیقات حاکی از نرخ بالای اضطراب ، افسردگی (تامپسون<sup>۳</sup> ، کاست<sup>۴</sup> و پولیو<sup>۵</sup>؛ ۲۰۰۳؛ مک لین<sup>۶</sup> ، امبری<sup>۷</sup> ، کاوس ، ۱۹۹۹) ، پرخاشگری (مک لین ، امبری ، کاوس ، ۱۹۹۹) ، رفتارهای گسسته (تایلر ، کاوس ، ویتبک ، ۲۰۰۴) در این نوجوانان است. از آنجا که نوجوانان فراری نرخ بالایی از انواع آزار دیدگی را در محیط خانه تجربه کرده اند ، در معرض انواع آسیب هایی هستند که در پی آزار دیدگی رخ می دهد ، که انزوای اجتماعی (شیلدز ، سیجنتی<sup>۸</sup> ، ۲۰۰۱) ، ضعف روابط صمیمانه در بزرگسالی (کلمن ، ویدوم<sup>۹</sup> ، ۲۰۰۴) و ضعف مهارت های اجتماعی (لوندوسکی ، اوکان ، پارکر<sup>۱۰</sup> ، ۱۹۹۵) جمله این آسیب هاست.

نتایج تحقیقات شارلین (۱۹۹۲) نشان داده است که دختران فراری عموماً دو نوع انگیزه برای فرار دارند :

۱) فرار به منظور رسیدن به چیزی که اکنون در محیط خانواده از آن محرومند ، نظیر استقلال و آزادی در روابط ۲) فرار به منظور رهایی از محیط پر از تشنج و ناآرامی و متعارض خانواده . توجه به علل مطرح شده توسط شارلین این نکته را روشن می سازد که نوجوان فراری به منظور آرام سازی خویش و کسب آنچه از وی دریغ شده است از

1 .Yoder

2 .Ennett .

3 .Thompson

4 .Kost

5 .Pollio

6 .Maclean

7 .Embry .

8 .Shields & Cicchetti

9 .Colman & Widom

10 . Levendosky , Okun & Parker

سبک مقابله ای ناکارآمدی به عنوان « فرار » استفاده می کنند. اما تحقیقات نشان داده اند که میزان سلامت روانی نوجوانانی که پس از فرار دوباره به خانه بازمی گردند بیش از نوجوانانی است که فرار کرده و در مراکز ویژه اسکان می یابند ( تامپسون و همکاران، ۲۰۰۳ ). به این ترتیب توجه به عواملی که می توانند تحمل شرایط نابسامان خانوادگی را برای نوجوانان تسهیل کنند و مانع از اقدام آنان به ترک منزل یا بازگشت مجدد آنان به خانه پس از فرار گردند، اهمیت ویژه ای می یابد.

یکی از عواملی که بر اساس تحقیقات متعدد به افراد در تحمل شرایط دشوار یاری می رساند « مذهب » است. مذهب با انواع اختلالات نظیر اضطراب و افسردگی رابطه منفی دارد ( وینک، دیلون، لارسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ برام<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۴؛ هال<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۴؛ کوریگان<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۳؛ برگین و استینج فیلد<sup>۵</sup>، ۱۹۸۸؛ نقل در بهرامی احسان، ۱۳۸۰ ) و با فراهم ساختن مهارت های مقابله ای مؤثر باعث کاهش اضطراب می شود ( کوریگان و همکاران، ۲۰۰۳ ). با وجود این، برخی تحقیقات نشان داده اند که تجربه آزار جنسی باعث آسیب فعالیت های معنوی و کاهش ثبات رفتارهای معنوی می گردد، اما میزان تجارب معنوی و میزان دعا کردن و نماز خواندن را افزایش می دهد ( لاوسون<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۹۸ ). دوچارم<sup>۷</sup> ( ۱۹۸۸ ) به این نتیجه رسید که زنانی که قربانی زنا با محارم بوده اند خدا را بیش از گروه مقایسه یا گروه کنترل « تنبیه گر » می دیدند. کین<sup>۸</sup> و همکاران ( ۱۹۹۳ ) نیز اظهار می کنند که زنان قربانی زنا با محارم،

<sup>۱</sup>. Wink , Dillon & Larsen

<sup>۲</sup>. Braam

<sup>۳</sup>. Hall

<sup>۴</sup>. Corrigan

<sup>۵</sup>. Bergin & Stinchfield

<sup>۶</sup>. Lawson

<sup>۷</sup>. Ducharme

<sup>۸</sup>. Kane

فاصله خود را از خدا بیش از گروه مقایسه گزارش نموده و خشم بیشتری نسبت به خدا اظهار کرده اند. تبیین های مختلفی به منظور روشن کردن این بیگانگی از مذهب و خدا بیان شده است: فینکلور<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۸۹) عنوان کرده اند که این بیگانگی از خدا بخشی از حس بیگانگی گسترده این قربانیان نسبت به مردم و سایر نهادهای اجتماعی است. نویلمن (۱۹۸۸) عنوان کرد که تجربه دنیا و مظاهر قدرت به عنوان اموری بدخواه و بداندیش باعث می شود که قربانیان در اعتماد کردن به خدا با مشکل مواجه شوند.

به این ترتیب ملاحظه می گردد که با توجه به شرایط ناگوار دختران فراری از لحاظ سلامت روانی و نیز تجارب آزار متعدد که می تواند زمینه را برای فاصله گرفتن از مذهب فراهم کند، این گروه به طور روزافزونی از توسل به این منبع حمایتی (مذهب) دورتر شده و بیش از پیش در ورطه انواع اختلالات فرومی غلطند. به این ترتیب با توجه به کمبود منابع تحقیقاتی در خصوص بررسی پیشینه و شرایط خانوادگی دختران فراری و نیز بررسی خصوصیات این گروه در ایران و نیز نبود منابع تحقیقاتی در خصوص بررسی جهت گیری مذهبی دختران فراری در تحقیقات سایر کشورها و اهمیت چشمگیر مذهب در یاری رساندن به افراد در کنار آمدن با شرایط چالش برانگیز، پژوهش حاضر در پی مقایسه آزار دیدگی، سلامت روانی، و جهت گیری مذهبی دختران فراری و دختران عادی بوده و در پی پاسخگویی به این سؤال است که:

- آیا بین دو گروه دختران فراری و عادی از نظر میزان آزار دیدگی، سلامت روانی، و جهت گیری مذهبی تفاوتی وجود دارد؟

## روش

جامعه آماری. جامعه مورد مطالعه برای گروه دختران فراری شامل همه دختران فراری ۱۷ تا ۲۵ ساله با تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم شهر تهران بوده است که در مراکز نگهداری بهزیستی استان تهران نگهداری می شوند. جامعه مورد مطالعه برای گروه دختران عادی شامل همه دختران غیرفراری ۱۷ تا ۲۵ ساله دیپلم و زیر دیپلم است که به یکی از پارک های شهر تهران مراجعه کردند. این اقدام به منظور همسان نمودن وضعیت اجتماعی - اقتصادی دو گروه دختران فراری و عادی به انجام رسیده است.

روش نمونه گیری. نمونه گیری گروه دختران فراری با استفاده از روش خوشه ای تصادفی صورت گرفته است. ابتدا از بین مناطق سه گانه بهزیستی استان تهران دو منطقه به تصادف انتخاب شدند و سپس از مراکز موجود در هر منطقه، ۱ یا ۲ مرکز نگهداری از دختران فراری به تصادف انتخاب گردید ( مراکز حبیب بن مظاهر ، هاجر و نواب صفوی )، و در نهایت به صورت تصادفی تعداد ۲۵ نفر گروه نمونه از بین مددجویان این مراکز انتخاب گردیدند.

روش نمونه گیری گروه دختران عادی ، نمونه گیری در دسترس بوده است که برای همسان کردن شرایط اجتماعی - اقتصادی دو گروه ، گروه دختران عادی از یکی از پارک های جنوب شهر تهران انتخاب شدند. تعداد اعضای گروه گواه نیز ۲۵ نفر بوده است.

ابزار پژوهش. پس از نمونه گیری، سه پرسشنامه سلامت عمومی ( GHQ ) ، جهت گیری مذهبی، و پرسشنامه آزار دیدگی بر روی نمونه اجرا شد. بدین صورت که ابتدا توضیحاتی درباره نحوه علامتگذاری و پاسخ دهی به پرسشنامه ارائه گردیده و سپس از آزمودنی ها خواسته شد تا به تمام سؤالات پاسخ داده و هیچ سؤالی را بدون

جدول ۳. نتایج آزمون t مستقل دو گروه دختران فراری و عادی در متغیر

جهت گیری مذهبی

سطح معنی داری	مقدار t	دختران عادی	دختران فراری	
۰/۰۰۰	-۳/۸۳۵	۵/۶۴	۳/۶۰	عامل جهت گیری مذهبی
۰/۰۰۲	۳/۲۷۰	۵/۹۶	۷/۶۰	عامل استقرارنایافتگی
۰/۰۹۳	-۱/۷۱۱	۵/۳۲	۴/۳۲	عامل ارزنده سازی
۰/۹۸۶	۰/۰۰۰	۶/۰۵	۶/۰۸	عامل کامجویی

همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می گردد میزان جهت گیری مذهبی دختران فراری به طرز معنی داری پایین تر از گروه دختران عادی است. به علاوه ، میزان استقرارنایافتگی دختران فراری به طرز معنی داری بالاتر از دختران عادی می باشد. میان دو عامل ارزنده سازی و کامجویی بین دو گروه تفاوت معنی داری به دست نیامده است.

بحث و نتیجه گیری

همانطور که در نتایج مشاهده می شود آزار دیدگی در گروه دختران فراری به طرز معنی داری بیش از گروه دختران عادی بوده و این نتیجه هماهنگ با نتایج تحقیقات قبلی است که نرخ انواع آزار دیدگی در دختران فراری را بالا ارزیابی کرده ( تایلر ، هویت، ویتیک، ۲۰۰۰؛ تایلر، کاوس، ۲۰۰۲ ) و فرار یکی از راه های مقابله با آزار دیدگی است ( تایلر ، کاوس ، ویتیک، ۲۰۰۴؛ کی نیا، ۱۳۷۴ ). به این ترتیب به

نظر می رسد که محیط ناآرام و متشنج خانواده می تواند زمینه را برای جست و جوی آرامش در محیط خارج از خانه فراهم نماید.

همچنین همان طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه گردید ، سلامت روانی دختران فراری در هر ۴ زمینه اضطراب ، افسردگی، نشانه های بدنی، و نارساکنش وری اجتماعی نمرات بالاتری نسبت به گروه دختران عادی کسب نمودند. این نتایج نیز هماهنگ با نتایج پژوهش های قبلی در خصوص بالا بودن میزان اضطراب و افسردگی در دختران فراری ( تامپسون و همکاران ، ۲۰۰۳ ؛ مک لین، امبری، کاوس، ۱۹۹۹ ) و ضعف مهارت های اجتماعی ( لوندوسکی ، اوکان، پارکر، ۱۹۹۵ ) و انزوای اجتماعی ( شیلدز، سیچتی ، ۲۰۰۱ ) در دختران فراری است.

در خصوص نتایج آزمون جهت گیری مذهبی ، همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود، میزان جهت گیری مذهبی گروه دختران فراری پایین تر از دختران عادی است. این نتایج را می توان با توجه به میزان بالای آزاردیدگی در گروه دختران فراری ( مراجعه شود به جدول شماره ۱ ) هماهنگ با نتایج پژوهش لاونسن و همکاران ( ۱۹۹۸ ) در خصوص آسیب رفتارهای معنوی در نتیجه آزاردیدگی دانست و نتیجه را با توجه به تبیین دوچارم ( ۱۹۸۸ ) و کین و همکاران ( ۱۹۹۳ )، ناشی از خشم آزمودنی ها نسبت به خدا و در نظر گرفتن خدا به عنوان موجودی تنبیه گرتلقی کرد. البته از آنجا که تبیین دوچارم و کین و همکاران تنها در خصوص گرایشات معنوی قربانیان تجاوز جنسی بیان شده است ، تبیین نتایج پژوهش حاضر توسط توضیحات دوچارم و کین باید با احتیاط صورت گیرد زیرا آزمودنی های پژوهش حاضر بیشتر قربانیان آزار جسمی و عاطفی بوده اند. به همین دلیل به نظر می رسد که تبیین نوبلن ( ۱۹۸۸ ) در خصوص مشکل قربانیان آزار در اعتماد کردن به خدا ( به دلیل تجارب ناگوارشان با افراد مهم زندگی خویش ) با نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر قرابت



جسمی ۰/۷۸ ، ۰/۹۱ و ۰/۸۴ بوده است که حاکی از همسانی درونی بالای آزمون می باشد.

### یافته ها

به منظور بررسی و مقایسه میزان آزار دیدگی ، شدت آزار دیدگی و نیز شدت آسیب در دو گروه ، از آزمون t استفاده شد. نتایج این مقایسه در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. نتایج آزمون t مستقل دو گروه دختران فراری و عادی در متغیر آزار دیدگی:

دختران فراری	دختران عادی	مقدار t	سطح معنی داری	
۴۹/۸۸	۳۲/۴۰	۶/۵۲۳	۰/۰۰۰	نمره کل آزار دیدگی
۲/۵۶	۱/۰۸	۳/۲۰۸	۰/۰۰۳	شدت آزار دیدگی
۱/۷۶	۰/۳۲	۳/۱۴۲	۰/۰۰۴	شدت آسیب

همان گونه که در جدول مشاهده می شود ، بین میزان کلی آزار دیدگی ، شدت آزار ، و شدت آسیب در دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. در هر سه مورد آزار دیدگی ، کلی ، شدت آزار دیدگی و شدت آسیب ، دختران فراری دارای نمرات بیشتری هستند. به منظور بررسی و مقایسه سلامت روانی در دو گروه دختران عادی و فراری ، ابعاد مختلف سلامت روانی از طریق آزمون t مورد بررسی قرار گرفت. نتایج در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲. نتایج آزمون t مستقل دو گروه دختران فراری و عادی در متغیر

سلامت روانی

دختران فراری	دختران عادی	مقدار t	سطح معنی داری	
۱۶/۶۸	۱۲/۰۸	۴/۱۶۷	۰/۰۰۰	نشانه های بدنی (A)
۱۹/۳۲	۱۲/۸۰	۵/۵۹۳	۰/۰۰۰	اضطراب و بیخوابی (B)
۱۶/۹۲	۱۳/۶۴	۳/۴۲۱	۰/۰۰۱	نارساکنش وری اجتماعی (C)
۱۷/۴۸	۱۱/۸۰	۳/۹۱۰	۰/۰۰۰	افسردگی، گرایش به خودکشی (D)
۷۰/۴۰	۵۰/۳۲	۵/۰۹۸	۰/۰۰۰	نمره کلی سلامت روانی (t)

همان طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می گردد، گروه دختران فراری در تمامی زیر مقیاس های آزمون سلامت روانی به طرز معنی داری نمره بیشتری نسبت به دختران عادی کسب نموده اند و به طور کلی وضعیت سلامت عمومی آنها ضعیف تر از دختران عادی است.

نهایتاً، به منظور بررسی و مقایسه جهت گیری مذهبی در دو گروه، از آزمون t استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ آمده است.

بیشتری دارد و به این ترتیب آزار دیدگی ( که منجر به فرار از منزل می گردد ) می تواند با تخریب تصاویر پدر و مادر در ذهن کودک و ایجاد تصویری خشن از آنها در وی، همان طور که ایجاد روابط صمیمانه با دیگران را در بزرگسالی تخریب می کند ( کلمن، ویدوم، ۲۰۰۴ ) برقراری ارتباط با خدا را نیز دچار مشکل نماید.

نتیجه دیگر به دست آمده از پژوهش حاضر نمره بالاتر دختران فراری در عامل استقرار نیافتگی است. در هیچ یک از پژوهش های گذشته به طور مستقیم به این عامل اشاره نشده است. با این توصیف این یافته، یافته جدیدی بوده و می تواند نشانه دغدغه های دختران فراری و عدم وجود آرامش کافی جهت پرداختن به خود و ایجاد شخصیتی منسجم و یکپارچه باشد.

نبود تفاوت بین دو گروه دختران فراری و عادی در عامل ارزنده سازی را می توان تا حدی مغایر با نتایج پژوهش لاوسون و همکاران ( ۱۹۹۸ ) دانست که عنوان کرده اند میزان دعا کردن و نماز خواندن به دنبال آزار جنسی افزایش می یابد. اما با توجه به اینکه پژوهش حاضر بیشتر آزار جسمانی و عاطفی را مورد سنجش قرار داده است مقایسه نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر با نتایج پژوهش لاوسون باید با احتیاط صورت گیرد، زیرا احتمال دارد شکل خاصی از آزار میزان ارزنده سازی را افزایش و شکل دیگر آن میزان ارزنده سازی را کاهش دهد. درک دقیق پیامدهای انواع آزار و تأثیر آن بر گرایش های مذهبی نیازمند تحقیقات بیشتری است.

به علاوه همان طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه گردید نمرات کسب شده در عامل کامجویی در دو گروه دختران فراری و عادی بسیار نزدیک به هم بوده و تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشده است. این شباهت نتایج دو گروه را می توان ناشی از مقتضیات سنی آزمودنی های دو گروه و توجه آنها به کسب لذت و خوشی دانست. در هر حال ارائه تبیینی قاطع برای این شباهت نیازمند تحقیقات بیشتری است.

## مآخذ

- بهرامی احسان ، هادی ( ۱۳۷۸ ) . " بررسی مؤلفه های بنیادین سازش یافتگی آزادگان ایرانی ". پایان نامه دکتر دانشگاه تربیت مدرس.
- بهرامی احسان ، هادی ( ۱۳۸۰ ) . " بررسی مقدماتی میزان اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس جهت گیری مذهبی ". مجله روانشناسی و علوم تربیتی ، دوره جدید سال ششم ، شماره ۱ . ص ۶۷-۹۰ .
- کی نیا ، مهدی ( ۱۳۷۴ ) . روانشناسی جنایی. تهران: انتشارات رشد .
- Braam , A.W., Hein , E., Deeg , J.H., Twisk , J. et al. ( 2004 ) . "Religious involvement and 6 – year course of depressive symptoms in older Dutch citizens : Results from the longitudinal aging study in Amsterdam". *Journal of Aging and Health* . Aug. vol. 16 , Iss. 4 ; pg. 467 – 474 .
- Colman , R.A., Widom , C.S. ( 2004 ) ."Childhood abuse and neglect and adult intimate relationships : A prospective study". *Child Abuse & Neglect* . 28 , 1133 – 1151.
- Corrigan , P., Mc Corkle , B., Schell , B., Kidder , K. ( 2003 ) . "Religion and spirituality in the lives of people with serious mental illness". *Community Mental Health Journal* . Vol.39 , Iss. 6 ; pg. 487 – 503.
- Ducharme , E.L. ( 1988 ) ."Variations of God concept as a function of depression and incest". *Dissertation Abstracts International* , 49, 3434B.
- Ennett,S.T., Federman,E.B., Bailey,S.L., Ringwalt,C.L., & Hubbard,M.L. ( 1999 ) ."HIV risk behaviors associated with homelessness characteristics in youth". *Journal of Adolescent Health* , 25, 344 – 353.
- Finkelhor, D., Hotaling, G.T., Lewis, I.A., & Smith,C. ( 1989 ) ."Sexual abuse and its relationship to later sexual satisfaction, marital status, religion, and attitudes". *Journal of Interpersonal Violence* , 4, 379-399.
- Hall,C.R., Dixon,W.A., Mauzey,E.D. ( 2004 ) ."Spirituality and Religion : Implications for Counselors". *Journal of Counseling and Development* : Vol.82, Iss. 4; pg. 504-509.
- Kane, D., Cheston, S.E., & Greer,J. ( 1993 ) ."Perceptions of God by survivors of childhood sexual abuse : An exploratory study in an underresearched area". *Journal of Psychology and Theology*,21,228-237.
- Lawson, R., Derbing, C. et al. ( 1998 ) ."The long term impact of child abuse on religious behavior and spirituality in men". *Child Abuse and Neglect* , Vol. 22, No.5, 369-380.
- Levendosky,A.A., Okun,A., & Parker, J.G. ( 1995 ) ."Depression and maltreatment as predictors of social competence and social problem- solving skills in school-age children". *Child Abuse and Neglect* , 20,161-169.

- Maclean,M.G., Embry, L.E., & Cauce, A.M. ( 1999 ) ."Homeless adolescents' paths to separation from family : comparison of family characteristics , Psychological adjustment and victimization".*Journal of Community Psychology*,27,179-187.
- Nobleman,R. ( 1988 ) ."Call it not love". *The Witness*,71,17-20.
- Sharlin,S.A., Mor- Barak,M. ( 1992 )."Runaway girls in distress : motivation,background and personality".*Adolescence*,27,387-403.
- Shields,A., Cicchetti,D. ( 2001 ) ."Parental maltreatment and emotion dysregulation as risk factors for bullying and victimization in middle childhood". *Journal of Clinical Child Psychology*,30,349-363.
- Slesnick,N., Meyers,R.J., Meade,M., Segelken, D.H. ( 2000 ) . "Bleak and hopeless no more : Engagement of reluctant substance- abusing runaway youth and their families". *Journal of Substance Abuse Treatment*,19,215-222.
- Thompson, S.J., Kost,K.A., pollio,D.E. ( 2003 ) ." Examining risk factors associated with family reunification for runaway youth : Does ethnicity matter ?" . *Family Relations*,vol.52, Iss.3; pg.269-281.
- Tyler,K.A., Cauce,A.M. ( 2002 ) ." Perpetrators of early physical and sexual abuse among homeless and runaway adolescents". *Child Abuse and Neglect*, 26,1261-1274.
- Tyler,K.A., Cauce,A.M., Whitbeck,L. ( 2004 ) ." Family risk factors and prevalence of dissociative symptoms among homeless and runaway youth". *Child Abuse and Neglect*, 28, 355-366.
- Tyler,K.A., Hoyt,D.R.,& Whitbeck,L.B. ( 2000 ) ." The effects of early sexual abuse on later sexual victimization among female homeless and runaway youth". *Journal of Interpersonal Violence*,15,235-250.
- Wink,P., Dillon,M., Larsen,B. ( 2005 ) ." Religion as moderator of the depression – health connection : Findings from a longitudinal study ". *Research on Aging* , vol.27, Iss.2 ; pg. 197 – 210.
- Yoder, K.A., Whitbeck,L.B., Hoyt,D.R. ( 2003 ) ."Gang involvement and membership among homeless and runaway youth". *Youth and Society. Thousand Oaks* : vol. 34, Iss. 4 ; pg. 441 – 456.